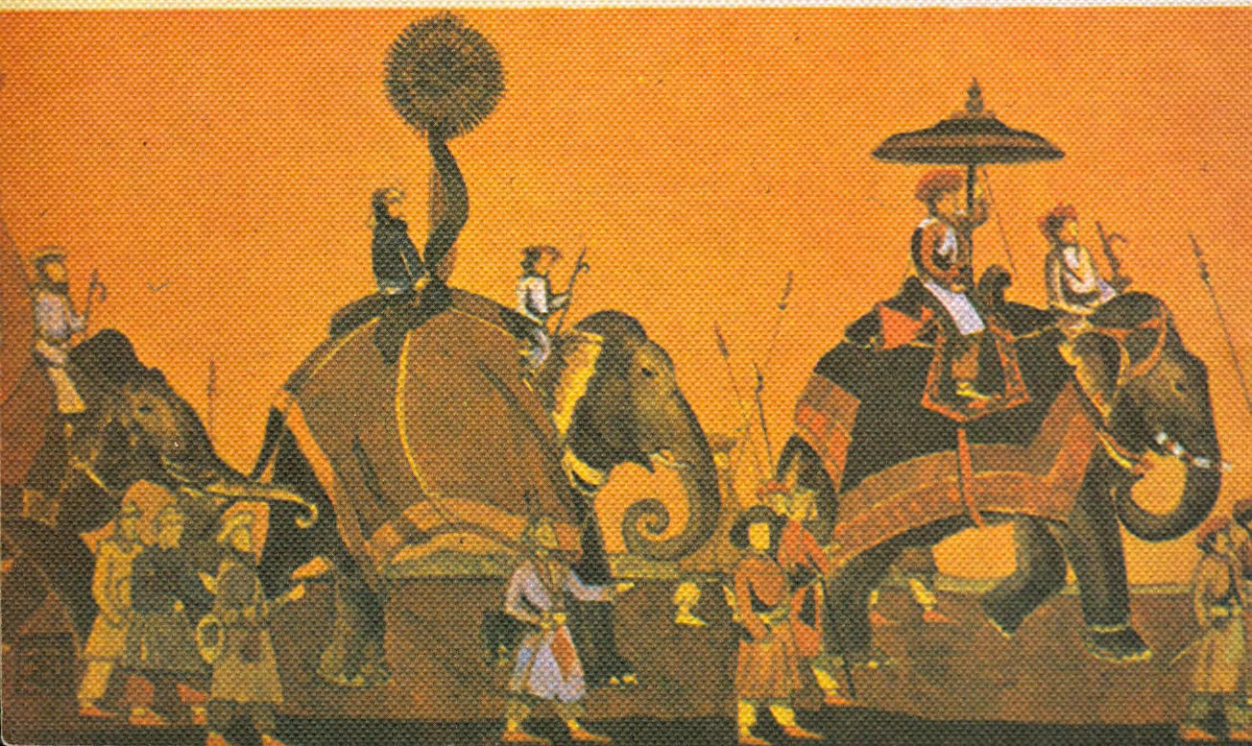


مجموعه تاریخ برای نوجوانان (۲۷)

اکبر شاه

و امپراتوری مغول

جان هریسون
ترجمه باجلان فرخ

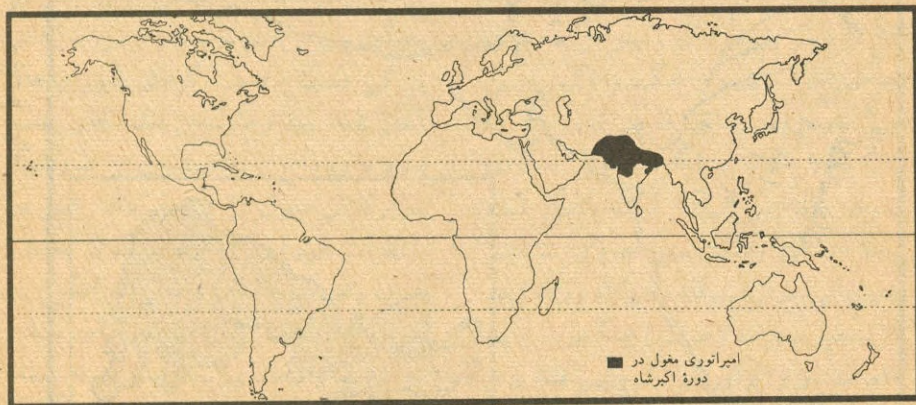


مجموعهٔ تاریخ برای نوجوانان (۲۷)

اکبر شاه

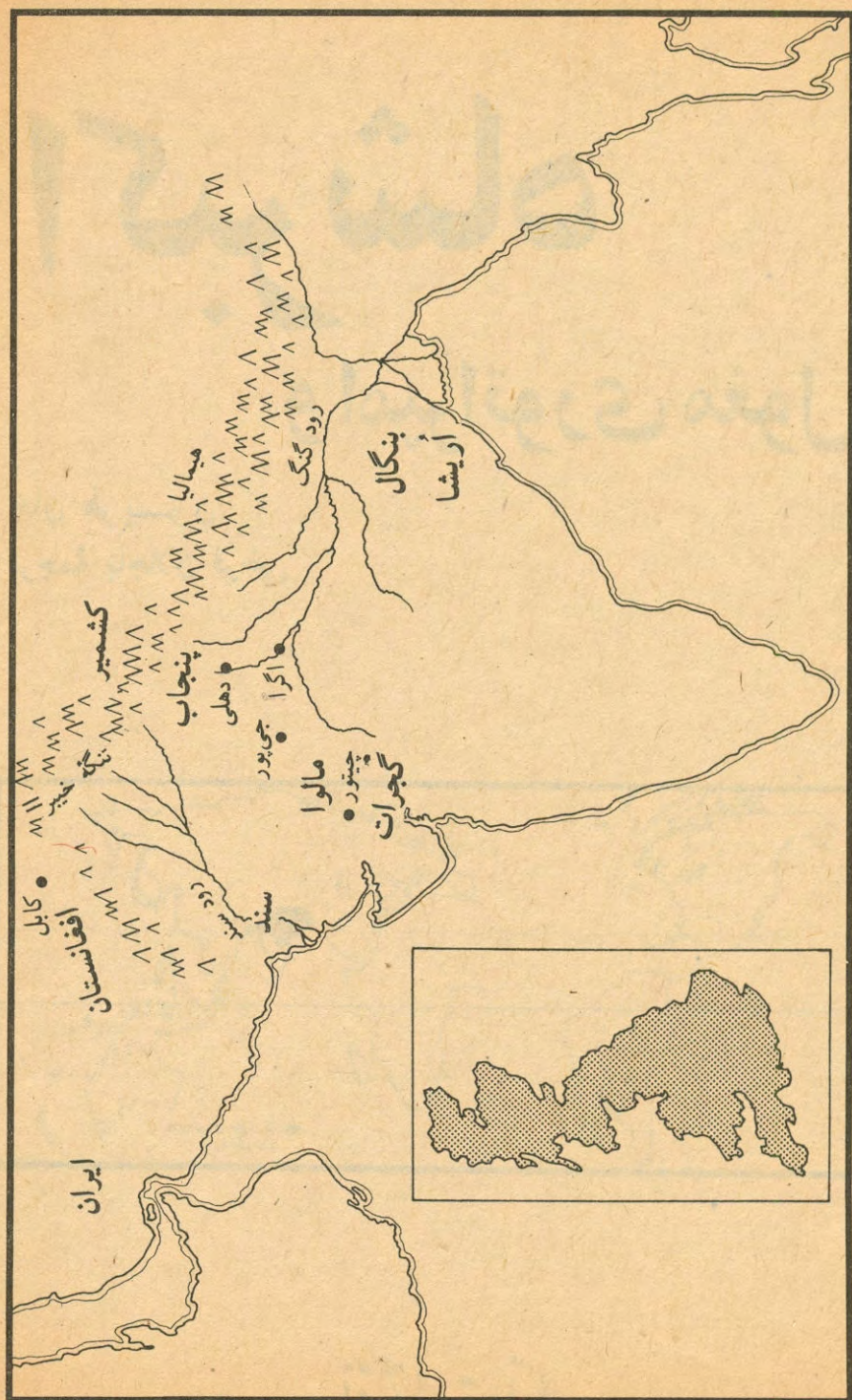
و امپراتوری مغول

جان هریسون
ترجمهٔ باجلان فرخی



زنگنه‌ها

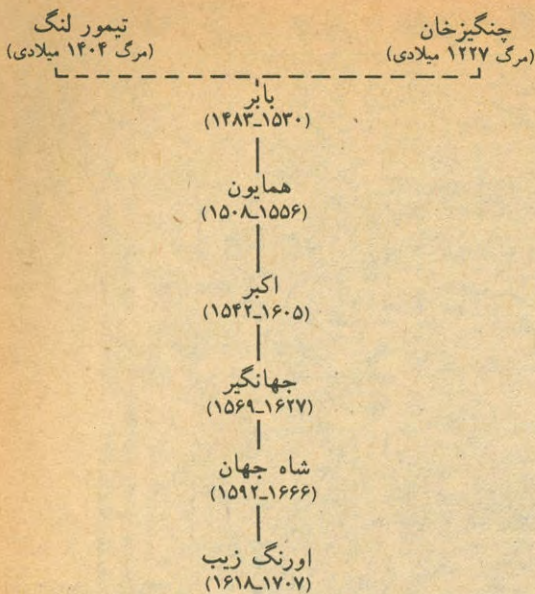
تهران، ۱۳۵۹



در چهاردهم فوریه سال ۱۵۵۶ میلادی - ۹۳۴ هـ.ش - پیک‌های تندرو با گذشتن از دشت‌های شمالی هند خبر مرگ فرمانروای دهلی را به‌پسر سیزده ساله او اکبر رسانیدند؛ و اکبر با شنیدن خبر مرگ پدر شتابان بر تخت خالی او نشست و قلمرو فرمانروائی پدر خود را که از دهلی تا افغانستان و اگر گسترده بود به‌میراث برد. اکبر شاه مسلمان بود. مسلمانان از قرن هشتم میلادی از سرزمین‌های شمال غربی هند و به‌ویژه ایران، آسیای میانه و افغانستان به‌هند آمده و بخش بزرگی از این سرزمین را تسخیر کرده بودند. از سال ۱۰۰۰ میلادی به‌بعد هند شمالی قلمرو امپراتوری مسلمانان شد، و بزرگ‌ترین امپراتوری این سرزمین امپراتوری گورکانی [تیموریان] بود که اکبر بزرگ‌ترین امپراتور آن بود.

بابر و جانشینان او

بابر پدر بزرگ اکبر از اعقاب چنگیزخان و تیمور لنگ و اکبر بدین نسب‌نامه همیشه افتخار می‌کرد. در دوره بابر مغولان فرمانبر او از چوپانی و چرای دام در علفزاران آسیای میانه به‌تنگ آمده و با آشنائی به‌شهروندی جویای تسخیر شهرهائی چون سمرقند و هرات بودند. [بعد از تسخیر سمرقند و هرات] جنگجویان بابر، افغانستان را برای خود کوچک یافتند و در سال ۱۵۲۵ میلادی بابر به‌ناچار برای نگهداری سپاهیان خویش به‌تسخیر سرزمین‌های جدیدی در قلمرو هند پرداخت. سپاهیان بابر غالباً از ماجراجویان آسیای میانه تشکیل شده بود و رؤسای این جنگجویان هر يك به‌امید



شجره‌نامه اکبرشاه از اعقاب چنگیزخان و تیمور لنگ

رسیدن به ثروت و دست یافتن به غنائم
بیش‌تر از بابر فرمان می‌بردند.

بابر بعد از شش ماه جنگ و تهاجم بر فرمانروای افغانی دهلی پیروز شد و جنگجویان او به غنائم بسیار و سرزمین‌های بزرگی دست یافتند. گرمای سوزان هند آغاز شده بود و خارستان دشت‌های هند و شهرهای داغ و خاکستری و غبارآلود، سوارکاران مغول را آزار می‌داد. بابر در خاطرات خود از آن روزها می‌گوید که: «نه اسب راهوار، نه سگ وفادار، نه انگور، نه خربزه و میوه‌های آبدار، نه یخ و آب خنک، نه نان نیکو و غذای پخته بازار و نه حمام از هیچ يك از این‌ها خبری نبود». وقتی در چنین شرایطی بابر جنگجویان خود را چون کوچ‌کنندگان آماده بازگشت به زادگاه خود دید به‌ناچار رؤسای آنان را به فرمانروائی ولایات منصوب کرد و با دادن لقب قلندر (درویش) آنان را دلخوش کرد و با این



اکبرشاه، و پدر بزرگ او بابر، پدرش همایون و پسرش جهانگیر

تشکیل می‌شد و کار اصلی این فرماندهان مغرور علاوه بر شرکت در جنگ‌ها تصاحب زمین‌های جدید، گردآوری مالیات روستاهای قلمرو خویش و پرداخت حقوق

تدبیر توانست از پراکندگی سپاهیان خود جلوگیری نماید.

جنگجویان فرماندهان سپاه بابر غالباً از خویشان، بردگان و مزدوران آنان



آرامگاه همایون در نزدیکی دهلی

امپراتوری اکبر

اکبر پیش از شروع فرمانروایی حوادث بسیاری را در پی نهاد: هنوز خردسال بود که عمویش او را در کابل زندانی کرد و ده ساله بود که پدرش با فتح کابل او را از زندان رهانید و به فرماندهی یکی از لشکرهای خود منصوب کرد. اکبر در سیزده سالگی جوانی برومند و قوی، کشتی‌گیری توانا، سوارکاری ماهر و جنگاوری چالاک بود و در همین زمان بود که امیر افغانی پنجاب را در نبردی سخت شکست داد. او چون پدر خود هوشمند و چون مادرش بلند پرواز بود. زمانی که اکبر به امپراتوری رسید دهلی شهری ناآرام بود و

سربازان خود بود.

تا زمانی که بابر زنده بود جنگجویان او در شرایط خوبی زندگی می‌کردند و با پیروزی‌های پی در پی او روز به روز بر شمار جنگجویانی که به خدمت او در می‌آمدند افزوده می‌شد. با مرگ بابر همه چیز دیگرگون شد و پسر او همایون به شراب و مواد مخدر پناه برد و فرماندهان مغول عصیان کردند و برادر همایون نیز با او به مخالفت پرداخت. در سال ۱۵۴۲ میلادی همایون به ایران گریخت و کودک خردسال خود - اکبر - را در نیمه راه رها کرد. سیزده سال بعد همایون دیگر بار دهلی را تسخیر کرد و شش ماه بعد از فتح دهلی مرد و پسر او اکبر به امپراتوری رسید.



اکبرشاه به هنگام تنبیه ادهم خان

گرفت و امپراتور نوجوان توانست با یاری جنگجویان ایرانی خیانتکاران را دستگیر و شماری از آنان را نابود و گروهی دیگر را تبعید کند. امپراتور با سپاهیان اندک خود با

در همان روزهای آغاز فرمانروایی او شماری از جنگجویان بر او شوریدند و شماری نیز از خدمت او گریختند. دهلی توسط یک لشکر افغانی در محاصره قرار

پیل سواران و تفنگداران ورزیده افغانی به نبرد برخاست؛ در این نبرد فرمانده پیل سواران افغانی باتیری که سر او را هدف قرار داد از پای درآمد و سپاهیان افغان شکست خورد (س ۱)* و سپاهیان وفادار به اکبر دهلی و اطراف آن را از وجود دشمنان امپراتور پاک کردند.

امیران و بزرگان کشور از امپراتور نوجوان فرمان نمی بردند و به فرمان آوردن آنان کاری دشوار بود. ادهم خان برادر رضاعی امپراتور در چنین شرایطی با تسخیر منطقه مالوا پیلان جنگی و رقاصه های زیبای دربار را تصرف کرد. امپراتور بی خبر و شتابان عازم مالوا شد و با رسیدن به دژ مالوا با یک ضربه مشت ادهم را از بارو به زیر افکند و گردن او را شکست و یکسال بعد ادهم با جسارت نخست وزیر امپراتور را در کاخ او به قتل رسانید.

حال اکبر نوزده ساله بود و برای به فرمان آوردن امیران و بزرگان - به همان گونه که امیران و اشراف اسپانیا بعد از بیرون راندن اعراب مراکش از سرزمین خود به فتح پرو و مکزیک پرداختند - باید آنان را با جنگ مشغول می کرد (س ۲). اکبر نخست عازم فتح منطقه چیتورو شکست جنگجویان مشهور راجپوت** راجستان شد. چیتور منطقه ای بود که حتی بابر هم نتوانسته بود بدان دست یابد. باروها و دژهای راجپوت به طول چندین کیلومتر و در دو ردیف در امتداد صخره های بلند و عمودی قرار داشت و تصرف آن بسیار مشکل بود. سپاهیان

امپراتور با نقب زدن و پیمون راه های پیچ در پیچ و در پناه باروها و با «استتار» کردن خویش توانستند به تدریج مدافعین دژها و کاخ را از پای در آورند و فرمانده جنگجویان نیز احتمالاً با گلوله تفنگ فتنه ای امپراتور کشته شد. راجپوت برای جلوگیری از اسارت زنان حرمسرای خویش کاخ را به آتش کشید و در حالیکه مست بود با گشودن دروازه کاخ به سپاهیان امپراتور حمله کرد.

با سقوط راجپوت راجستان و تسخیر چیتور راه عبور سپاهیان امپراتوری به جانب جنوب غربی هند و گجرات گشوده شد. گجرات از مناطق آباد و ثروتمند هند، مرکز کشت پنبه و ابریشم بافی و رنگرزی و بنادر آن لنگرگاه کشتی های عرب، ایران، مالایا، اندونزی، جزایر ادویه و حتی پرتغال بود. اکبر در سال ۱۵۷۳ گجرات را تسخیر کرد و با سپاهیان خود به شمال هند بازگشت اما با شنیدن خبر پیدائی شورش در گجرات با ۳۰۰۰ سوار فاصله ۴۵۰ مایل را در گرمای تابستان و در مدت ۹ روز طی نمود و به ناگاه شورشیان را مورد حمله قرار داد و تمام مناطق گجرات را دیگر بار تسخیر کرد. دومین بندرگاه مهم هند یعنی بنگال واقع در هند شرقی نیز در سال ۱۵۷۶ میلادی تسخیر شد. منطقه بیلاقی کشمیر در سال ۱۵۸۶ تسخیر و پایتخت تابستانی امپراتور شد. اریسا در سال ۱۵۹۲ و سند در سال ۱۵۹۵ تسخیر شد و سپاهیان امپراتور پیش از مرگ اکبر امپراتور بزرگ [تیموریان هند] در سال ۱۶۰۵ با عبور از کوه های مرکزی، جنوب هند را مورد تهاجم قرار دادند و به هنگام مرگ امپراتور اکبر وسعت امپراتوری مغولی هند در حد وسعت خاک قاره اروپا بود.

* س اشاره است به اسناد پایان کتاب.

** راجپوت به معنی پسر سلطان لقب امیران و زمینداران بزرگ فرمانروای ولایات بود. راجپوت ها حتی تا زمان نهر و از قدرت بزرگی برخوردار بودند.

نقش امپراتور اکبر در گسترش امپراتوری

امپراتور اکبر با شجاعت و توانائی خویش در رهبری و به کار بستن تجارب فرمانروایان گذشته و توجه به علل شکست آنان نقش بزرگی را در گسترش امپراتوری مغولی هند اجرا نمود و امپراتوری مغول تا

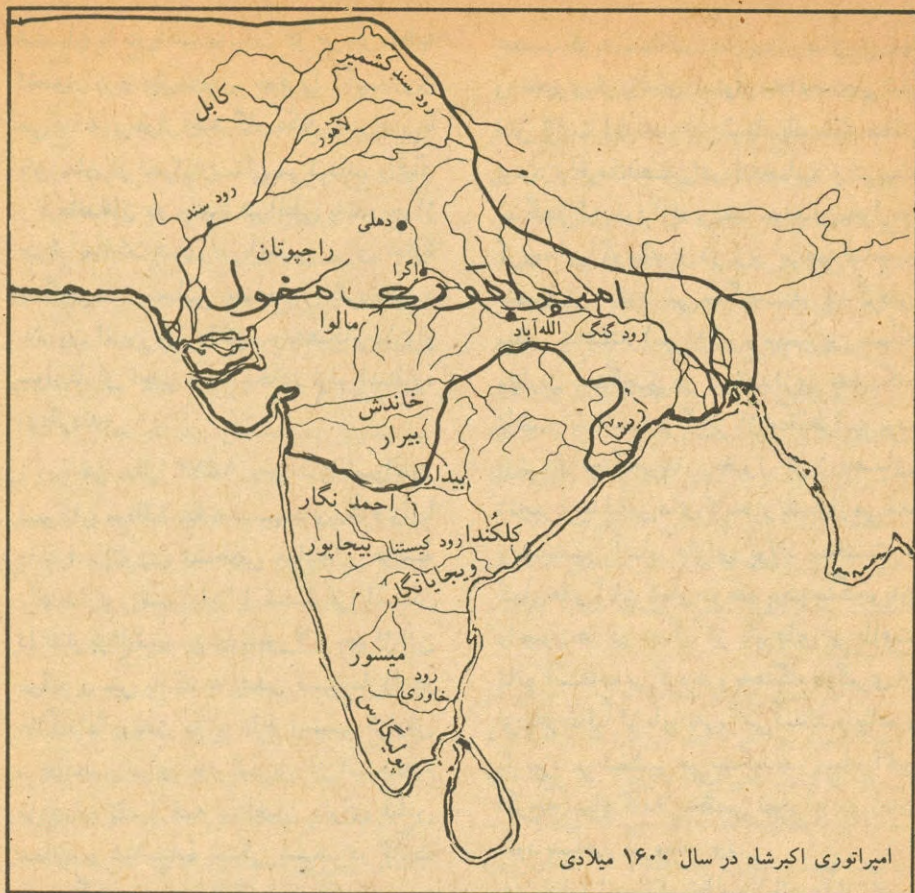
اکبرشاه به هنگام رهبری سپاهیان در حمله
به استحکامات راجپوت



سال ۱۸۷۵ در خاک هند دوام آورد. علت پیروزی‌های امپراتور اکبر ایجاد سازمان منظم و دولت استواری بود که موجب شد بسیاری از فرماندهان و کارگزاران شایسته و دیوانیان بزرگ با تصور این که «خدا مغولان را سزاوار فرمانروائی می‌داند» به گرد او جمع شوند.

همایون توانست با یاری جنگجویان آسیای میانه بخش بزرگی از هند را تسخیر نماید و دوباره به فرمانروائی خود باز گردد. اکبر ایرانیان و افغان‌های دربار خود را به خدمت گرفت و به کمک لشکریان راجپوت‌ها که برخی از آنان به خدمت او در آمده بودند سپاه منظم و بزرگی را فراهم ساخت. در سال ۱۵۶۲ راجپوت فرمانروای جیپور مورد حمایت امپراتور قرار گرفت و اکبر دختر او را به همسری برگزید و از او صاحب پسری شد که جهانگیر نام گرفت و بعد از پدر به فرمانروائی رسید. پیش از این بابر با تکیه بر عامل دین سپاهیان مسلمان خود را به جهاد با هندوان و راجپوت‌ها واداشته و از کَلّه هندوها مناره‌ها ساخت درحالی‌که اکبر با نزدیک شدن به هندوها و راجپوت‌ها و سپردن کارهای لشکری و کشوری بدانان اعتماد آنان را جلب کرد (س ۳) و برخی از راجپوت‌ها به فرماندهی سپاه و فرمانروائی ولایات نیز دست یافتند (س ۴). مونسریت از کشیشان مسیحی فرقه یسوعی از راجپوت‌ها می‌گوید که «آنان مردمی فرزانه و در همه کارها مورد اعتماد امپراتوراند» اما با این همه اکبر تنها به حمایت خویشان خود متکی نبود (س ۵).

امپراتور اکبر در آغاز فرمانروائی چون بابر متصرفات خود را بین خویشان، فرماندهان و بزرگان دربار تقسیم می‌کرد و



تصویر اکبر شاه در اواخر فرمانروائی او

فرماندهان و فرمانروایان ولایات با فتح سرزمین‌های تازه و واگذاری اداره آن از جانب امپراتور بدانان بر قدرت خویش می‌افزودند. در این دوره اکبر به‌هر یک از بزرگان دربار در ولایات مقامی واگذار کرده بود و همه صاحب منصبان و فرماندهان ولایات با وصول مالیات‌های منطقه تحت فرمانروائی خود سواران و سربازان خود را اداره می‌کردند (س ۶) و میزان وصول مالیات و تعداد سواران آنان نامشخص بود. باگذشت زمان ولایات و ایالات سازمان داده شد و میزان ثروت و کارآئی هر یک از فرماندهان و صاحب منصبان مشخص شد. پیش از این فرماندهان و صاحب



منصبان با دریافت مالیات در هر دو منطقه اسواران و سربازان خود را نگهداری می کردند و هراز چند گاه یکبار امپراتور یا بازرسان از اسواران سان می دیدند. والیان و فرماندهان در چنین شرایطی به تدریج از صرف مالیات های دریافتی برای اداره جنگجویان محلی خودداری کردند و به ثروت اندوزی پرداختند و به هنگام سان از سوارکاران اجیر و اسب های نزار استفاده می کردند.

در سال ۱۵۷۳ به فرمان امپراتور اسواران موظف شدند اسب های خود را با داغ امپراتوری مشخص نمایند و هزینه نگهداری اسواران با شمارش اسبان داغدار پرداخت می شد (س ۷). بعد از این مرگ و میر یا کشته شدن اسب ها را در جنگ با بریدن دم و داغ اسب گزارش می دادند و برای جلوگیری از استخدام مزدور و تقلب همه سپاهیان دارای لباس همانند و شناسنامه جنگی شدند. در کارت هر جنگجو مشخصات کامل او ذکر شده بود و فرماندهان به هنگام سان و بازرسی نمایندگان امپراتور از سپاه باید اسواران، اسب ها و سربازان را با نشان دادن داغ اسب و ذکر مشخصات جنگجو معرفی می کردند: «قمر علی، پسر محمد علی، دارای چشمان مورب، گندم گون، گوش پیش را در جنگ از دست داده است...». در این تجدید سازمان سپاه بسیاری از فرماندهان ناراضی شدند، حتی در پنگال شورش پدیدار شد اما سرانجام سپاه سامان و سازمان جدید یافت (س ۸).

امپراتور يك سپاه نیرومند از اسواران و پیل سواران را به پاسداری از مقر فرمانروائی خود اختصاص داده بود و کاخ او با سوارکاران چالاک، تفنگداران، آتشبارهای فتیله نی

عجیب که به وسیله دوازده ورز و حمل می شد و زنجیری از دژهای استوار محافظت می شد (س ۹). با این همه این سپاه يك سپاه منظم نبود و فرماندهان در انتخاب و تربیت جنگجویان خود آزاد بودند. سپاهیان مغول در گروه های كوچك و در زیر پرچم صاحب منصبان خود می جنگیدند و گردان منظم نداشتند (س ۱۰) و مهم ترین مسأله مهارت جنگجو در تیراندازی به هنگام تاخت با اسب و گریز از مخاطرات بود. پوشاك جنگجویان مغول از زره های زنجیری یا لباس های لایه دار تشکیل می شد و شمشیر آنان دارای پولاد سخت و کمان های آنان کمان دو خم بود. جنگجویان راجپوت ها در جنگ از یابوهای پر طاقت تاتو استفاده می کردند و به هنگام درگیری از نزدیک غالباً از یابو به زیر می آمدند و پیاده و با نیزه و شمشیر می جنگیدند. سپاه اکبر اگرچه سپاه کاملاً منظمی نبود اما در زمان خود سپاهی نیرومند بود.

امپراتور اکبر نظام مالیاتی را نیز تغییر داد. در هند مغولی مالیات بردرآمد وجود نداشت و به سبب اتکای بر معیشت کشاورزی تقریباً همه مالیات دولتی و درآمد کشور به نسبت يك سوم میزان تولید کشاورزی از کشاورزان دریافت می شد. برای کنترل پرداخت مالیات در برخی از مناطق بازرسان مالیاتی زمین های شخم زده را معیار دریافت مالیات قرار می دادند و در مناطق دیگر میزان تولید را حدس می زدند. گاهی دریافت مالیات به هنگام خرمن کردن محصولات و برداشت با بررسی آن از طرف بازرس دریافت می شد و در چنین مواردی غالباً دهقانان به ناچار برای پرداخت مالیات کم تر شبانه مقداری از خرمن خود را می دزدیدند. در این میان رایج ترین نظام

وصول مالیات دریافت مالیات برطبق زمین شخم شده و تخمین تولید در آن زمین بود (س ۱۱) و به تدریج کارگزاران مالیاتی در این کار خبره شده بودند. وصول مالیات برطبق زمین زیر کشت روش نادرستی بود و با گسترش امپراتوری و رسیدن مرزهای آن از غرب به گجرات و از شرق به بنگال غربی مشخص شد که همه زمین‌ها مانند همدیگر نیستند و میزان بازدهی و تولید محصول در زمین‌های مختلف متفاوت است. بدین سان با توجه به میزان تولید و بازدهی کشت در زمین‌های مختلف به تدریج جدولی تنظیم شد که بر طبق آن دریافت مالیات در مناطق مختلف نسبت به بازدهی زمین کشت شده تفاوت داشت.

در بسیاری از مناطق مالیاتی بیش از آنچه مقرر بود دریافت می‌کردند و دولت و دیوان مالیات خواستار آن بود که پرداخت مالیات به جای مالیات جنسی نقدی و با پول باشد. قیمت غلات و محصولات کشاورزی نخست در دهلی تعیین می‌شد و برطبق آن از کشاورزان مناطق مختلف مالیات

دریافت می‌کردند اما نرخ تولیدات کشاورزی در همه جا یکسان نبود و به گفته مورخان مغول «مشکلات بسیاری به وجود آمد»؛ و بدین دلیل امپراتور فرمان داد برای به دست آوردن میانگین هر ایالت نرخ سالانه محصولات را به مرکز گزارش کنند. دریافت گزارش سالانه بهای تولیدات مختلف کشاورزی در کشوری که پیوسته در جنگ بود و طول آن به ۱۵۰۰ مایل رسیده بود کاری بس مشکل بود. در سال ۱۵۷۰ میلادی آمار بهای محصولات کشاورزی مناطق مختلف در ده سال گذشته گردآوری شد و سیاهی از دبیران و منشیان به بررسی آن پرداختند و سرانجام برای هر ایالت میانگینی به دست آمد که کارگزاران وصول مالیات باید آن را ملاک عمل قرار می‌دادند. با این همه در بسیاری از مناطق کارگزاران مالیات بیش‌تری از کشاورزان دریافت می‌کردند و به همین دلیل گروهی از کشاورزان در پناه دیوارهای گلی به مقاومت مسلحانه پرداختند و گروه دیگر با چانه زدن و رشوه دادن کارگزاران را راضی می‌کردند

دهقانان به هنگام پاسداری از غلات و چارباغان‌شان



تا مالیات کمتری از آنان وصول نماید.

دولت‌های مغولی هند

در برابر مالیات‌های دریافتی مغولان برای مردم هند چه کردند؟ کار [تیموریان هند] در این کشور همانند کار دولت‌های هابسبورگ و تودور در اروپا بود با این تفاوت که امپراتوری هند بزرگ‌تر ازدو کشور اسپانیا و بریتانیا بود. برخی

چینه کردن شالی و فروش آن

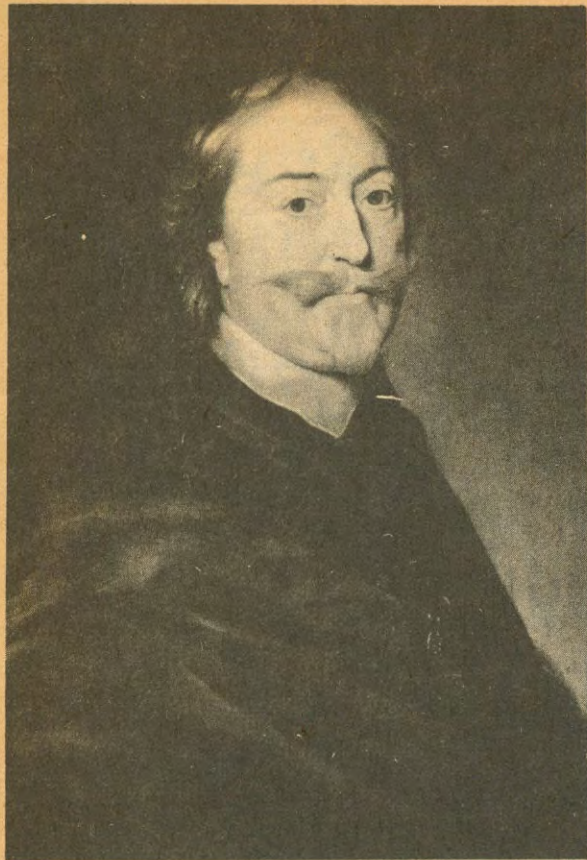


از کارهای امپراتوری مغول در هند عبارتند از: ایجاد امپراتوری مقتدر و توقف جنگ‌های قومی و منطقه‌ای، ایجاد راه‌های بزرگ تجارتي - اگرچه هیچگاه این جاده‌ها خالی از راهزن نبود - (س ۱۲)، ایجاد پلیس و کوتوال برای حفظ امنیت شهرها و بازارها و مرزها (س ۱۳)، ایجاد نظام قانونی و کیفر خطاکاران - اگرچه کیفرها نوشته شده و مشخص نبود - (س ۱۴)، ایجاد پل‌های متعدد، چاه آب و کاروانسرا برای بازرگانان و مسافران، ضرب سکه‌های نقره‌ای و مسی، ایجاد مسجد برای نیایش مسلمانان و وقف درآمدهایی برای اداره مساجد و مدارس ضمیمه آن‌ها، واگذاری زمین به علمای مذهبی و توزیع غذای رایگان در زمان خشکسالی بین نیازمندان.

بخش اصلی درآمد کشور در این امپراتوری صرف اداره لشکریان و ساختن دژهای نظامی شد و در این امپراتوری نیز چون امپراتوری‌های دیگر ولخرجی فرمانروایان و «نجبا» از طریق غارت دهقانان تأمین می‌شد و موجب فقر دهقانان بود (س ۱۵).

دربار مغول

در دربار اکبر نخست‌وزیر، وزیران و والیان ایالات امپراتور را در اداره کشور یاری می‌کردند و فرماندهان و کوتوال‌ها و رؤسای پلیس شهر همه از وزیر اعظم [نخست‌وزیر] فرمان می‌بردند (س ۱۶). وزیر جنگ مسؤول پاسداران کاخ امپراتوری و اسواران و سپاه‌های ایالات و بازرسان و خبررسانان دستگاه جاسوسی بود و گزارشگران اخبار ایالات و ولایات را



سرتوماس رو سفیر بریتانیا در دربار مغول ۱۶۱۵

مشخص به کارهای مختلفی نیز اشتغال داشتند مثلاً تودارمال وزیر دیوان مالیات علاوه بر بررسی مالیات ایالت گجرات در صورت نیاز فرماندهی سپاه را برای فتح بنگال به عهده می گرفت و سازمان اداری دربار امپراتور اکبر با سازمان اداری کنونی کشورهای اروپائی تفاوت کامل داشت. صاحب منصبان و کارگزاران بدون توجه به میزان ثروت آنها و تنها با توجه به شایستگی آنان برای کارهای لشکری و کشوری استخدام می شدند و اکثر آنان کسانی بودند که توسط خویشان یا صاحب منصبان دیگر به امپراتور معرفی می شدند. نخستین کار هر کارگزار از کارهای کوچک مثلاً سرپرستی پنجه تاصد

زیر نظر کارگزاران محلی به مرکز گزارش می کردند. گزارش های مناطق مختلف به وسیله پیک ها به مرکز ارسال می شد و به امپراتور گزارش می شد (س ۱۷). کار اداره امور مالی دربار به عهده پیشکاری بود که صدها آشپز دربار، غلامان مشعلدار، آبدارباشی ها و مسؤولان پوشاک و رخت کن دربار از او فرمان می بردند؛ و وظایف دیگر این پیشکار تهیه و نظارت بر ساختن سلاح هائی چون شمشیر، تفنگ و آتشبار فتیله نئی برای زرادخانه امپراتوری و رسیدگی کارگاه های بافندگی قالی، شال های برودری دوزی شده، اشیاء بلور و تهیه وسائل مورد نیاز هنرمندان و صحافان دربار بود. وزیر دارائی یا دیوان مالیات مأمور رسیدگی به گردآوری مالیات توسط کارگزاران، عزل و نصب مأموران مالیات و بررسی گزارش های مالی تنظیم شده توسط کاتبان و منشیان سراسر امپراتوری بود. گزارش های گردآوری مالیات و نقدینه های ارسال به دیوان مالیات هر هفته به دیوان مالیات ارسال می شد و علاوه بر تنظیم این گزارش ها بررسی کیفیت و کمیت محصولات کشاورزی سراسر کشور و آگاهی از شورش های دهقانی از وظائف دیوان مالیات بود.

[وزیران در اداره امور مسؤولیت مشترك داشتند] و قدرت هیچ يك از وزیران در حدی نبود که بتواند به ثروت اندوزی بی حد پردازد و کار هر وزیر امضا و تصویب کارهائی بود که دیگران نیز آن را تصویب نموده بودند.

نزدیک به پنج تا شش هزار کارگزار امپراتوری و از آن جمله شاعران و نقاشان دربار در این سازمان اداری کار می کردند و همه این افراد علاوه بر انجام يك کار



امیرزاده مغول با نیزه ماده شیری شکار می‌کند

پیشرفت امپراتوری

به‌دست آوردن مقام در دربار امپراتوری از موفقیت‌های بزرگ و میزان درآمد هر صاحب منصب شگفت‌انگیز بود. يك انگلیسی با شگفتی می‌گوید: «درآمد برخی از کارگزاران در حد حقوق يك امیر ایالتی آلمانی است». تنها اندکی از نجبا و صاحب منصبان انگلیسی در حد يك کارگزار دربار امپراتوری هند - یعنی در حدود سه هزار پوند حقوق سالانه - دریافت می‌داشتند. صاحب منصبان دربار

سوارکار آغاز می‌شد و در صورت ابراز لیاقت این افراد حتی به مقام والی، معاونت وزیر یا فرماندهی سه تا چهار هزار سوارکار دست می‌یافتند (س ۱۸) و در این زمینه گاهی بذله‌گوئی و سرودن يك شعر به‌هنگام معرفی به‌دربار ممکن بود در ترفیع کارگزار موثر باشد. در این نظام برترین معیار ارتقاء مقام ابراز شایستگی و از این نظر سازمان اداری امپراتور هند در زمان امپراتور اکبر همانند سازمان اداری امپراتوری عثمانی به‌هنگام فرمانروائی سلطان سلیمان بود.

طی نمایند».

برای اروپائیان نه تنها چگونگی رفتار امپراتور با نجبا و صاحب منصبان که وسعت امپراتوری هند نیز شگفت‌انگیز بود. به‌هنگام مرگ امپراتور اکبر وسعت امپراتوری هند به‌اندازهٔ وسعت اروپا بود و اروپائیان آن را با امپراتوری عثمانی و ایران مقایسه می‌کردند (س ۱۹). برخی از شهرهای این امپراتوری به‌وسعت رُم، بزرگ‌تر از لندن و از آنان پرجمعیت‌تر بود و سپاهی که اکبر برای نبرد با برادر خود بسیج کرده بود بیش از سپاهیان بود که در آن زمان هر يك از فرماندهان اروپا، به‌فرمان

دارای خوراك و پوشاك عالی، قصرها و باغ‌های فراوان و انبوهی از خدمتکاران بودند اما به‌گزارش سیرتوماس‌رو سفیر بریتانیا در دربار جهانگیر ثروت هر صاحب منصب و کارگزار بعد از مرگ او به‌امپراتور منتقل می‌شد: «همه زمین‌ها از آن امپراتور است و حتی يك وجب زمین هم از آن کسی نیست. کارگزاران و صاحب منصبان با نزدیکی به‌دربار به‌مقامات بزرگی دست می‌یابند... اما بعد از مرگ آنان امپراتور وارث ثروت آنان می‌شود و تنها به‌پسران صاحب منصب یا کارگزار عناوین کوچکی داده می‌شود و آنان خود باید مدارج ترقی را

تاج محل



نخستین مقبره از مجموعه‌ئی است که زیباترین و معروف‌ترین‌شان همان تاج محل است.

امپراتور اکبر در سال ۱۵۶۶ میلادی

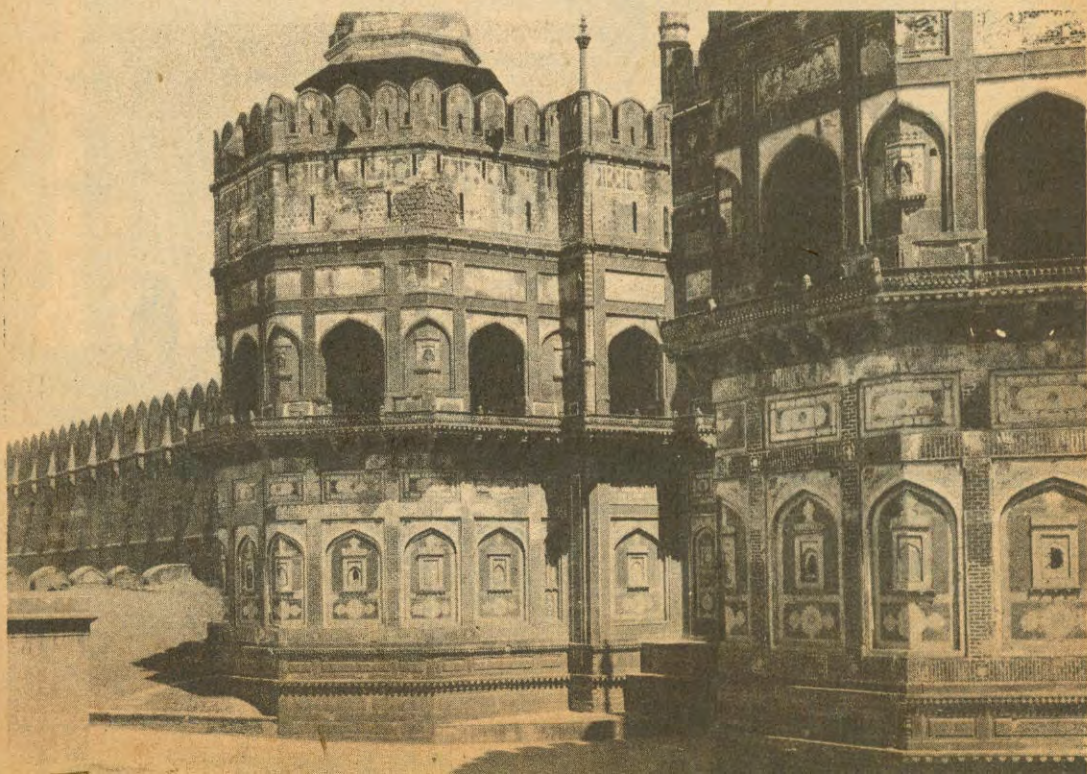
با ساختن دژ سرخ اگرآ، این شهر را دومین پایتخت خود قرار داد. سنگ‌های يك پارچه كنده‌کاری شده دیوارها و قلعه‌های دژ سرخ هنوز هم از عظمت امپراتوری هند سخن می‌گویند. در سال ۱۵۶۹ اکبر در جنوب اگرآ یعنی در فاتیح پور سیکری شهر بزرگی را که هنوز هم ویرانه‌های باروها، تالارهای اجتماعات و کاخ‌های آن برجاست بنا نهاد؛ باروهای این شهر به طول هفت مایل بود. او با ایجاد ساختمان‌های عظیم خرسند می‌شد و همانند پترکیسر در روسیه در کارهای ساختمانی این بناها نظارت می‌کرد (س ۲۱). اکبر به نقاشی عشق می‌ورزید و از نقاشان تعلیم می‌گرفت.

همایون بعد از بازگشت از ایران

خود داشتند. درآمد سالانه انگلستان در زمان جیمز اول سالانه ۵۰۰,۰۰۰ پوند و در برابر ۱۵,۰۰۰,۰۰۰ پوند درآمد امپراتوری هند رقمی ناچیز بود (س ۲۰).

درآمد سالانه امپراتوری هند هر سال در اختیار کارگزاران نهاده می‌شد تا آنان این درآمد را آزادانه صرف ایجاد کاخ‌ها، دژها، کاروانسراها، کندن چاه، ایجاد مسجد، مدارس ضمیمه مساجد و آرامگاه‌های با شکوه بنمایند. در زمان بابر باغ‌ها و آب‌نماهای بزرگ و زیبایی ایجاد شد. در زمان همایون در پنجاب مساجد شکوهمند با کاشیکاری‌های زیبا بنا گردید و برج پورنه قلاع و کهن دژ در دهلی نیز از آثار اوست. مدفن او مقبره باشکوهی است در دهلی؛ ساخته از سنگ سرخ که در آن مرمرهای سیاه و سفید به کار رفته، و گنبد مرمرین رفیعی بر بالای آن. به سبک ایرانی، گرد برگرد آن باغ‌های سنتی و این مقبره

مدخل دژ اگرآ





داستان مصور: گویای تلاش امیرزاده‌ئی است در فریفتن زنی روستائی و کشاندن او به زیر درخت، شیری به آن زن حمله می‌کند و امیرزاده که اندکی شرمسار شده می‌گریزد

اکبر تألیف کردند و یکی از این کتاب‌ها دربارهٔ راه و رسم کشورداری بود. اکبر به شناخت دین اسلام و سایر ادیان و جغرافیای سرزمین‌های مختلف اشتیاق فراوان داشت و غالباً با سیاحان و مسافران از سرزمین‌های دیگر گفتگو می‌کرد. کتاب‌های مربوط به آئین هندو و نیز انجیل را برای او به فارسی ترجمه کرده بودند [او او با مطالعهٔ این آثار با درباریان و شیوخ دربار به مناظره مذهبی می‌پرداخت].

پارسایان و مسلمانان متعصب دربار از برابری هندو و مسلمان در دربار ناخرسند بودند و بر امپراتور خرده می‌گرفتند. در مرکز ایالات و پایتخت‌ها و شهرهای نظامی سربازان مسلمان، کارگزاران، نویسندگان،

به‌دهلی دو تن از نقاشان مشهور ایرانی را با خود به‌هند برد و این صورتگران با آموزش دادن به نقاشان هند سبک جدیدی را در نقاشی هند به‌وجود آوردند که به نقاشی مغولی هند معروف است. نقش‌های بسیاری از این نقاشی‌ها گویای حوادث مختلف يك داستان و همانند نقاشی‌های يك فیلم کارتون است و برخی از نقاشی‌ها به بیان صحنه‌های واقعی جنگ، زندگانی درباری و نمایاندن عظمت بناهای این دوره اختصاص دارد. نقاشی‌های دورهٔ بابر تا زمان جهانگیر بازگو کننده ویژگی حیوانات و گل‌ها و به طبیعت‌گرایی اختصاص یافته است.

اکبر از نوجوانی ورزشکار بود و تقریباً هر روز به شکار می‌پرداخت و مسابقهٔ جنگ حیوانات و ترسانیدن درباریان با ترتیب دادن صحنهٔ نبرد پیلسواران از کارهایی بود که بسیار دوست می‌داشت. اکبر در کار فرا گرفتن درس بسیار تنبل بود و به گفتهٔ معلم او وقتی معلم در نخستین جلسهٔ درس حاضر شد «آن طلبهٔ مکتب خدا لباس شکار پوشید و گریخت». بابر شاعر بود و خاطرات خود را می‌نوشت. همایون دوستدار کتاب بود. اکبر اگرچه خواندن و نوشتن را یاد نگرفت اما کتاب‌را دوست می‌داشت و نویسندگان دربار او هزاران کتاب دستنوشته را که حاشیهٔ آن نقاشی شده بود برای او تألیف کردند (س ۲۲) و برخی از این کتاب‌ها را برای او می‌خواندند.

اکبر و دین

نویسندگان دربار کتاب‌های بسیاری در زمینهٔ تاریخ جهان اسلام و سلسلهٔ فرمانروائی [تیموریان هند] برای امپراتور



اکبر شاه به هنگام مناظره با مسلمانان و یسوعیان

محمد (ص)، اجرای پنج بار نماز در شبانه روز و انجام مراسم آیینی در روزهای مقدس بودند؛ و بدین دلیل توجه به آئین هندو را که در آن خدایان و خدا بانوان متعددی چون ویشنو و شیوا وجود دارد و مراسم آئینی آنان به کلی با اسلام تفاوت دارد ناپسند می دانستند. با این همه مغولان مسلمانان سخت گیری نبودند و معلم سر خانه اکبر اگرچه نتوانست بدو خواندن و نوشتن را بیاموزد اما بدو یاد داده بود که نسبت به اعتقادات مختلف مردم شکبیا باشد

اطبا و معلمان علوم دینی مستقر بودند. در هند شرقی و به ویژه در بنگال بسیاری از بوداییان بعد از تهاجم مغولان مسلمان به هند به آئین اسلام گرویده و مسلمانان بر آن بودند که هندوان را نیز به پذیرش اسلام وادارند و به همین دلیل از فرمانروایان انتظار داشتند که جانب مسلمانان را بگیرند و هندوان را بر جای خود بنشانند.

مسلمانان با اعتقاد به خدای یکتا یعنی الله خواستار مطابقت فرمان های امپراتور با دستورات قرآن و پیامبر اسلام

و همسر اکبر نیز دختری یکی از راجپوت‌های هندو بود و او را با آئین هندو آشنا کرده بود. در سال ۱۵۶۳ میلادی امپراتور اکبر فرمان داد که هندوان به‌هنگام پرداختن به مراسم دینی و رفتن به زیارت از پرداخت مالیات معاف باشند و یک سال بعد نیز دریافت جزیه یا مالیاتی را که غیر مسلمانان پرداخت می‌کردند از هندوان موقوف کرد و به اجرای مناظره بین مسلمانان، هندوان و کشیشان مسیحی پرداخت (س ۲۳). در سال ۱۵۸۲ میلادی به‌سبب توجه

امپراتور به ادیان مختلف و به‌کار گرفتن راجپوت‌ها در دربار، شیوخ و مسلمانان هند شرقی بر او شوریدند و از برادر امپراتور که در کابل بود، خواستند که امپراتور را برکنار کند و بر جای او بنشیند. شورش هند شرقی به شکست انجامید و امپراتور باتکیه بر ایده‌های دینی ادیان مختلف و با روال خود به نیایش روی آورد. امپراتور در دربار گروهی را بسیج کرد که او را رهبر روحانی خود می‌دانستند و برای آنان امپراتور یک نیمه رهبر دینی بود (س ۲۴)؛ و بسیاری

اکبر شاه در دوره نوجوانی درباریان را با سوار شدن بر پیلان جنگنده به وحشت می‌انداخت، در این تصویر پیلسواران را بر پلی از چندین قایق در حال فرو رفتن می‌بینید





اکبر شاه بهنگام شکار بایوز

پیروزی‌های امپراتوری تیموریان هند

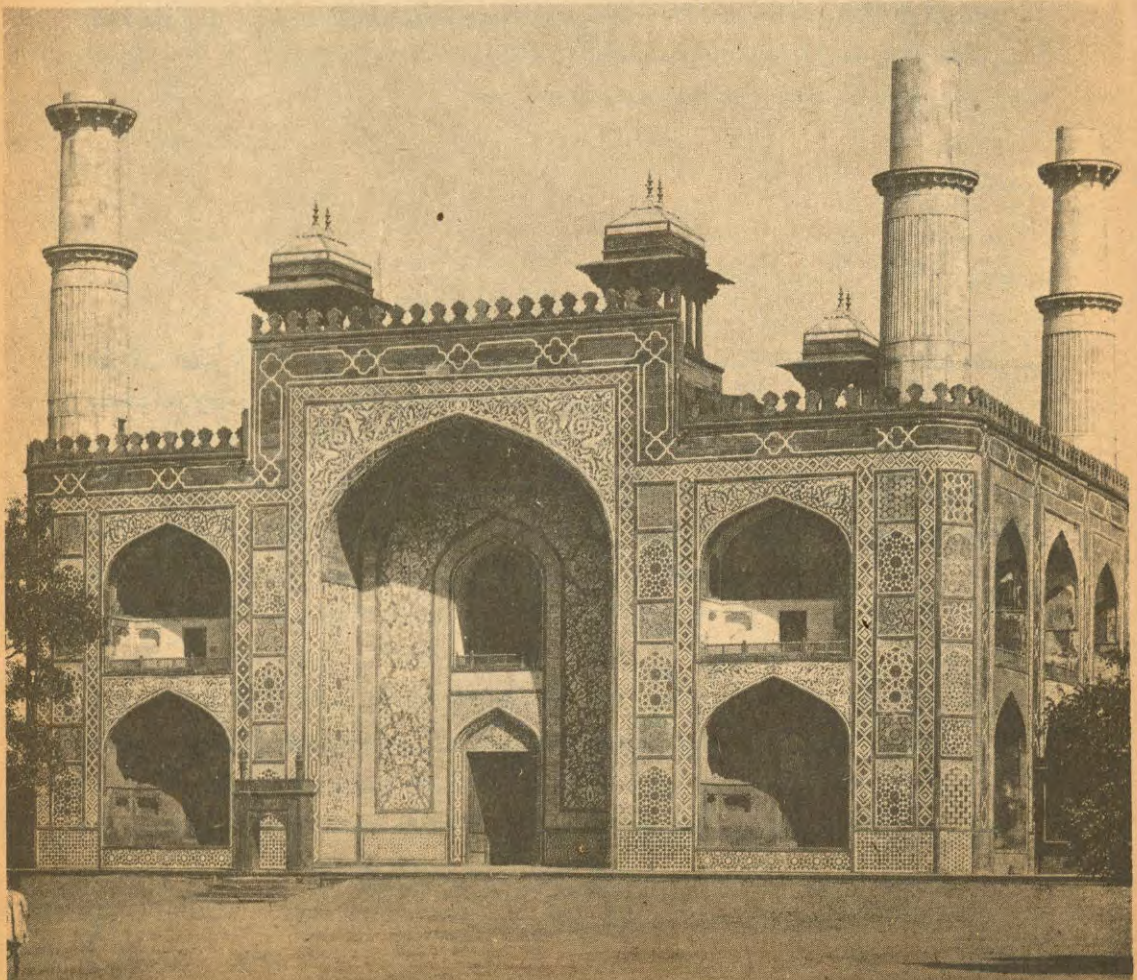
امپراتوری اکبر در سال ۱۶۰۵ میلادی سرزمین گسترده و امنی بود که مردم هند آن را بیگانه نمی‌دانستند. امپراتور برای ایجاد این امپراتوری بزرگ تلاش بسیار کرده و هر ساله صدها فرسنگ را برای بازرسی یا لشکرکشی طی می‌کرد (س ۲۶) (و در این سفرها همهٔ دبیران و وزیران و منشیان نیز همراه او بودند) (س ۲۷). هر روز بعد از نیایش بامدادی امپراتور اکبر

از هندوان نیز این پادشاه شکبیا را نیایش می‌کردند. در همین دوره فرمانروایان در اروپا از آزادی مذهب جلوگیری و بدعت‌گذاران دینی را در آتش می‌سوزانیدند و یهودیان را از قلمرو خود تبعید می‌کردند و جنگ‌های خونین مذهبی در همه جا رواج یافته بود. فرمانروایان اروپا معتقد بودند که یکی بودن دین فرمانروا و مردم موجب اطاعت مردم از فرمانرواست و در هند اکبر به آزادی دین اعتقاد داشت و از وفاداری هندوان نسبت به خویش اطمینان داشت (س ۲۵).

خود را از پنجره کاخ به مردم نشان می داد و بعد به بازرسی سپاهیان و چارپایان و ویژه حمل و نقل می پرداخت و آنگاه تا نیمروز عرض حال مردم را می پذیرفت و بدانان رسیدگی می کرد (س ۲۸). نیمروز، هنگام تماشای شعبده بازی و جنگ حیوانات بود. بعد از ناهار هنگام گوش دادن به گزارش والیان ایالات، وزرا، «منصبداران» و فرماندهان و رسیدگی به این گزارش ها بود؛ بعد فرمان های روز گذشته را برای امپراتور قرائت می کردند و امپراتور آنها را تأیید و تصحیح می کرد و آنگاه نقشه عمارات جدید

مورد بررسی قرار می گرفت و مباشر اعظم مشکلات و مسائل انبارها و ذخایر را مطرح می ساخت. شامگاه زمان شرکت در جلسه خصوصی و محرمانه با درباریان و بزرگان کشور و بعد از روشن شدن چراغ های کاخ زمان خواندن کتاب برای امپراتور و بحث درباره مسائل دینی یا گفت و گوهای دیگر و گوش دادن به شعر خوانی فرا می رسید. عید سال نو بزرگ ترین عید و جشن تولد امپراتور بزرگ ترین جشن سال بود (س ۲۹)؛ به هنگام برگزاری جشن امپراتور بر تخت می نشست و وزرا و بزرگان دربار را

مدخل آرامگاه اکبر شاه



بار می‌داد و دربار در چنین روزهایی دارای شکوه و جلال خاص بود اما حتی روزهای جشن نیز برای امپراتور روز کار بود.

امپراتوری مغولی هند تا یکصد سال بعد از امپراتور اکبر همچنان چشم مسافران اروپائی را خیره می‌ساخت و هنرمندان و مهندسان تلاش می‌کردند که به خدمت فرمانروائی مغول در آیند. نقاشی و معماری در زمان جهانگیرشاه و شاه جهان به پیشرفت‌های بزرگی دست یافت. مرز امپراتوری هند در زمان اورنگ زیب به اقصای جنوب هند و مرز برمه رسید و وسعت آن پیش‌تر شد. با گسترش سپاهیگری و افزون شدن شمار جنگجویان نبرد مشکل شد چرا که سرزمین‌های فتح شده فقیرتر از آن بودند که بتوانند غرامت

جنگی بپردازند و به همین دلیل به ناچار مالیات‌ها را افزایش دادند و در نتیجه دهقانان یا آواره می‌شدند و یا سر به شورش برمی‌داشتند و صاحب منصبان نیز جیب خود را از مالیات‌هایی که گردآوری می‌کردند بی‌نصیب نمی‌کردند. مغولان و ایرانیان و مسلمانان و هندوان برای کسب قدرت به رقابت و دشمنی برخاستند و مانند ایرلند شمالی مردم به فرقه‌گرایی‌های مذهبی پرداختند و همکاری و هماهنگی گذشته به تدریج به تردید و نفرت مبدل شد. امپراتوری گورکانی [تیموریان هند] از سال ۱۵۲۶ میلادی و به زمان بابر در هند شکل گرفت و با مرگ اورنگ زیب در سال ۱۷۰۷ پایان یافت.

سند ۱

مرگ همو بدائی (عبدالقادر ملوکشاه ۱۰۱۴-۹۴۷هـ.ق) مورخ مسلمان و متعصب تاریخ منتخب التواریخ

...همو... با سر برهنه چون کسی که سگ‌ها را گزیده باشد فریاد می‌زد و فرمان می‌داد و در همان حال وردی را تکرار می‌کرد. ناگاه تیر اجل که هیچ سپری را در برابر آن تاب مقاومت نیست در چشم لوچ او نشست و مغز او را از کاسه چشم بیرون ریخت.

سند ۲

فتح ابوالفضل علامی دبیر غیررسمی اکبرشاه و نویسنده تاریخ آئین اکبری

بایسته است که پادشاه همیشه فاتح باشد و گرنه همسایگان قلمرو او علیه او برمی‌خیزند. بایسته است که سپاه مدام در نبرد باشد تا دچار سستی و تنبلی نشود.

اکبر و امیران هندو مانوسی سیاح ایتالیائی اواخر قرن هفدهم

اگر از پادشاهان مغول کسی میراث‌دار شجاعت و رأی تیمور باشد... این کس... همانا اکبر بود... این پادشاه... با بسیاری از امیران راجپوت متحد شد و آنان را با خود همراه ساخت. اکبر به یاری امیران راجپوت بخش بزرگی از هندوستان را فتح کرد، در جنگ‌های مختلف بازمانده افغان‌ها را برانداخت و بسیاری از آنان را نیز به فرمان خود آورد. بیم امیران هندو از او چندان بود که دختر خود را به زنی بدو می‌دادند و اکبر با آغوش باز از این وصلت‌ها استقبال می‌کرد تا به یاری خویشان خود امیرانی را که به فرمان او نیامده بودند با جنگ به فرمان آورد.

ارتقاء راجپوت‌ها بدائی - اکثر مسلمانان از دادن مقام به راجپوت‌ها ناخرسند بودند

در سال ۹۹۸ هجری قمری (۱۵۸۹ میلادی) راجه تودارمال و راجه بهاگوان امیرالامرا که در لاهور مانده بودند به منزلگاه ابدی خود در جهنم شتافتند تا در مغاک دوزخ خوراک درندگان و کژدم‌ها شوند. خداوند عذاب آنان را با آتش جهنم زیاد گرداند.

بردباری اکبر گزارشی از يك اروپائی

دلاواله می‌گوید که هندو و مسلمان «در سرزمین مغول بزرگ همه در صلح و آرامش زندگی می‌کنند... اگرچه امپراتور مسلمان است (که به گزارش آنان مسلمان کامل نیست) در قلمرو خود بین افراد تفاوتی نمی‌گذارد و بزرگان و درباریان و مردم دارای آئین‌های مختلف نزد او برابرند».

گردآوری مالیات فرانسیسکو پلسارت بازرگان هلندی کمپانی هند شرقی در دوره جهانگیرشاه

میزان مالیات سالانه املاک شاهی، شهرها و روستاها در دفتری ثبت می‌شود... هر کس، سلطان، امیر یا صاحب منصب (منصبدار) بر طبق مقامی که به آنان داده می‌شود (فرماندهی ده هزار، هزار یا صد سوار) موظفند که مالیات بپردازند. [امیران صاحب منصب‌ها و سلطان‌ها به هنگام اجرای وظیفه در دربار کارگزاران خود را مأمور گردآوری مالیات در منطقه خویش می‌سازند و گاه این کار به ضابطه‌هایی که خطر کمبود و بدی برداشت محصول را نیز می‌پذیرند واگذار می‌نمایند. در ایالات

دهقانان بسیار فقیراند و اگرچه مالیات دریافتی از آنان بر مبنای ۵۰۰۰۰ روپیه برای هر «جاگیر»^{*} زمین محاسبه می‌شود اما گاهی بازدهی محصول هر جاگیر حتی ۲۵۰۰۰ روپیه هم نیست و بدین دلیل دهقانان حتی با نان خشک هم نمی‌توانند شکم خود را سیر کنند؛ و به همین دلیل بسیار از صاحب مقامانی که باید پنج هزار سوار داشته باشند حتی یک هزار سوار هم ندارند. با این همه این صاحب مقامان مبالغ زیادی را صرف آرایش و نمایش فیل‌ها، اسبان و خادمان خود می‌کنند و گوئی نه کارگزار که پادشاهند.

سند ۷

شرایط فرماندهی بدانی

چنین مقرر شد که هر فرمانده نخست امیری را از فرماندهی بیست سوار آغاز کند و با سواران خود به بردن پیام‌ها و پاسداری و غیره پردازد، و زمانی که اسب سواران خود را داغ زد آنگاه به فرماندهی صد سوار برگزیده شود؛ پس از آن که توانست صد سوار را اداره کند به فرماندهی هزار سوار، دو هزار سوار یا حتی پنج هزار سوار برگزیده می‌شود و اگر شایسته نبود تنزل مقام می‌یابد و به نگهداری پیل‌ها، تیمار و بارگیری اسبان و شتران و به کاری در حد توانائی خود پردازد.

سند ۸

نظام منصب‌داری مونسزاته مسیونر فرقه یسوعی که در یکی از جنگ‌ها همراه اکبر بود.

از نظر کشورداری شاه در واگذاری فرمانروائی ولایات به بزرگان حداکثر دقت را به کار می‌بندد و توجه دارد که قلمرو آنان در خور شأن و توانائی آنان در اداره امور و تأمین نیروی نظامی برای سپاه امپراتوری باشد.... مغولان نظام نیاکان خود را در تقسیم‌بندی گروه‌های سپاهی به افواج مختلف و ریاست موروثی خود بر آنها حفظ کرده‌اند.... در این نظام شهرها و زمین‌ها به شاه تعلق دارد و سپاه امپراتوری از او فرمان می‌برند و شاه فرمانده کل قوا است.... هر سپاه دارای فرمانده و امیران خاص خویش است... و این کیفیت موجب توطئه و خیانت است. به منظور جلوگیری از گستاخ شدن و قدرت یافتن این فرماندهان و بزرگان شاه کسانی را که از راه سوء استفاده از مالیات‌های گردآوری شده به ثروت زیادی دست یافته‌اند به دربار احضار می‌کند و با ارجاع کارهای مشکل بدانان با آنها چون بردگان رفتار می‌کند.... و هنگامی که آنان را رها می‌سازد تا در محل مأموریت خود به انجام وظیفه پردازند هیچگاه آنان را برای مدتی طولانی در یک منطقه نگاه نمی‌دارد؛ و به منظور جلوگیری از قدرت یافتن آنان و سوء استفاده از قدرت، قضات و فرماندارهای شهرها و شهرک‌ها را خود منصوب می‌کند تا کیفیت رفتار این فرمانروایان را گزارش کنند.

* «جاگیر» در هند چیزست مانند تبول در تاریخ کشاورزی ایران. به دارنده جاگیر، «جاگیردار» می‌گویند (از کلمه فارسی جا + گیر + دار).

سپاه اکبر از گزارش يك مسیونر یسوعی در دربار اکبر

به هنگام جنگ و حرکت سپاه آتشبارهای فراوانی را در جلوی سپاه به حرکت در می آورند، پیل ها را در صف عقب جبهه قرار می دهند و سر آنها را با ورقه های آهنی محافظت می نمایند. از خرطوم فیل يك شمشیر می آویزند و بر هر يك از دندان های او خنجر را استوار می بندند. هر فیل بر پشت خود چهار برج كوچك چوبی را حمل می كند كه جایگاه سربازان تیرانداز و مسلح به تیر و کمان و تفنگ فیتله ئی است. پیل بانان با پوشیدن جوشن یا با ورقه های فلزی چند لایه ئی كه روی هم قرار می گیرند خود را محافظت می كنند. سربازان پیل سوار از پشت خط جبهه دشمن را مورد حمله قرار می دهند و گاهی با مجروح شدن پیل ها و عكس العمل آنها صفوف سربازان دچار بی نظمی می شود. بدین دلیل پیل ها را در پشت خط جبهه نگهداری می كنند تا در صورت نفوذ دشمن به درون جبهه پیل سواران بتوانند با به حرکت در آوردن پیل ها راه دشمن را سد كنند.

سپاه آقای تری کشیش همراه سرتوماس رو سفیر بریتانیا در دربار مغول

مهمات و تداركات آنان بسیار خوب... و از گذشته نیز چنین بوده است. سرفیل ها را با ورقه ئی آهنی می پوشانند... پیاده نظام از تفنگ كم تر استفاده می كند چرا كه تفنگ های باروتی آنان بلند و فیتله ئی و برد آن كوتاه اما مؤثر است. پیاده نظام از نیزه، شمشیر، سپر و تیر و کمان در جنگ استفاده می كنند؛ شمشیر آنان خمیده و بسیار تیز و از پولاد آبدیده ساخته شده و در صورت كج شدن می شكند و به همین دلیل ما اغلب شمشیرهای خود را كه تیغه آن حالت فنری دارد به قیمت های گزافی به آنان می فروختیم. آنچه من از سلاح و تجهیزات اسواران دیدم این بود كه: در يك سوی خود شمشیری نيكو می آویختند، در كنار شمشیر تركش های پر از تیر آویخته بود و تفنگ و سپر خود را از پشت و شانه می آویختند. هر سوار از سمت چپ خود كمانی می آویخت و نیزه خود را كه در حدود دو یارد و نیم طول داشت در دست می گرفت.... سلاح هائی كه هر سوار از دو سوی خود آویخته است معمولاً به موقع و با خشونت به كار می برد.

میزان ارتفاع گزیده دستور دولت درباره اندازه گیری محصولات

دوم، محصولات كومه شده با موافقت و در حضور مأموران وصول مالیات تقسیم می شود. برای جلوگیری از خطای افراد ناصالح چند نفر براین كار نظارت می كنند. سوم، بعد از كشت مزارع

می‌توان به تقسیم زمین‌ها پرداخت. چهارم بعد از درو کردن می‌توان حاصل را تقسیم و سهم هر کس را برای پاك کردن و قابل استفاده نمودن به او داد، و اگر کشاورز موافق باشد می‌تواند بهای محصول سهم خود را به نرخ روز دریافت نماید.

هز يك از مأموران وصول مالیات می‌توانند با اجازه رئیس خود بعد از مساحی و برآورد مقدار محصول زمین مساحی شده را علامت‌گذاری نماید. در مورد زمین‌های نامرغوب مأمور باید چند بار میزان محصول زمین را برآورد نماید و نظر خود را در سندی بنویسد و به کشاورز بدهد.

بدین سان منشی‌ها و مأموران مالیات میزان محصول زمین‌های هر روستا را برآورد می‌کنند و ضابط روستا گزارش‌ها را گردآوری می‌نماید. مأمور گردآوری مالیات باید این اسناد را مقایسه و زیر آنها را مهر بزند. بعد از برآورد میزان محصول روستا باید سندی تنظیم شود و حاصل برآوردهای هفتگی به دیوان مالیات گزارش شود؛ حداکثر تاخیر در برآورد مداوم محصولات نباید از پانزده روز بیش‌تر باشد. در صورت آفت‌زدگی و رسیدن صدمه به محصولات باید میزان آفت محصولات را به دیوان مالیات گزارش کرد و گزارش‌های قبلی را کامل نمود. مأموران وصول مالیات باید با کشاورزان مهربان باشند و تنها در فصل برداشت به گردآوری مالیات بپردازند.

سند ۱۲

کنترل ایالات فرانسیسکو پلسارت

پادشاه باید که بر دشت‌ها و جاده‌ها نیز حاکم باشد؛ در بسیاری از مناطق برای رهائی از پرداخت غرامت هنگفت به راهزنان تنها می‌توان با همراهی مردان قوی به سفر پرداخت. سراسر این کشور با کوه‌های مرتفع محصور شده و مردمان کوه‌نشین و آن سوی کوه‌ها چیزی از شاه نمی‌دانند... آنان تنها راجه‌ها را می‌شناسند؛ تعداد راجه‌ها بی‌شمار و بخش‌های مختلف کشور با روش سنتی و توسط آنان اداره می‌شود.

سند ۱۳

وظایف کوتوال ابوالفضل علامی - تاریخ آیین اکبری

کوتوال مأمور یافتن دزدان و اموال دزدیده شده و مسؤول از دست رفتن اموال مردم است. کوتوال باید که نرخ اجناس را کنترل و از خرید و فروش در خارج از شهرها جلوگیری نماید. ثروتمندان نباید بیش از مصرف خود چیزی خریداری نمایند. کوتوال باید که اوزان را بیازماید... مردم را از تهیه، نوشیدن یا خرید و فروش شراب و تجاوز به زندگانی دیگران بازدارد. او باید از ثروت مردگان و افراد مفقودالثر که وارثی ندارند محافظت نماید و سیاهه اموال آنها را تهیه و نگهداری نماید. کوتوال باید برای زنان و مردان جاله‌ها و چاه آب‌های جداگانه تهیه نماید.

کوتوال باید که افراد مورد اعتماد را مأمور نگهداری و توزیع آب شهرها و بازداشتن زنان از سوار شدن به اسب نماید. او باید... مانع از تجاوز به آزادی دیگران و خرید و فروش برده باشد. آزار

زنان و به‌میخ کشیدن تبه‌کار محکوم به‌مرگ کاری نادرست است و کوتوال باید از انجام چنین کارهائی جلوگیری نماید.

سند ۱۴

قانون سرتوماس‌رو

آنان دارای قوانین نوشته شده نیستند: پادشاه فرمان‌ها را شفاهی صادر می‌کند و حکام ولایات گوش به‌فرمان او هستند. هفته‌ئی یکبار به‌قضاوت می‌نشینند و خطاهای بزرگ و کشوری را با بردباری مورد رسیدگی قرار می‌دهد.

سند ۱۵

شهرهای مغولان

شهرها از دور زیبا اما شکوه و جلال آن‌ها در درون شهرها در خیابان‌های باریک و ازدحام مردم گم می‌شود. خانه‌ها را پنجره‌ئی نیست. ثروتمند را باغ‌های محصور است که خارج از آن باغ‌ها و فواره‌های زیبایش چیز خوشایندی نیست. مردم غالباً در آلونک‌ها زندگی می‌کنند و با دیداریک شهر چنان است که همه شهرها را دیده‌اید.

سند ۱۶

وظایف حاکم ابوالفضل علامی

حاکم باید که بزرگ و پاسدار قلمرو پادشاهی خود باشد... و به‌فرمان عقل از سبکی و خشم نابجا احتراز جوید. شاه باید نافرمانان را با بصیرت و مشاوره به‌فرمان آورد و اگر موفق نشد با توبیخ، زندانی کردن، شلاق زدن یا بریدن عضو آنان را تنبیه نماید... پادشاه باید که از آلودن زبان خود به‌دشنام که کار هرزه‌گردان کوچه و بازار است دوری نماید.... در قضاوت باید که خود به‌کشف حقیقت بپردازد و از کفایت کردن به‌سوگند و ادای شهادت احتراز نماید. شایسته است که حاکم از مردان غیور و درست‌کردار برای ادارهٔ ولایات قلمرو فرمانروایی خویش یاری جوید و با تأمین امنیت جاده‌ها اخبار راه‌ها را پیوسته از پاسداران آن دریافت دارد. حاکم باید که از ذخیره تجهیزات سپاهیان غافل نباشد.... شایسته است که حاکم با توجه به‌افزایش محصولات کشاورزی بهبود زمین‌های زراعی را مورد عنایت قرار دهد و با بخشندگی و جلب محبت کشتکاران خدا را نیز از خود خشنود سازد.

پيك سلطنتی فرانسیسكو پلسارت

نامه‌های پادشاه به بزرگان و والیان را پيك‌های تندرو سلطنتی با سرعت غیر قابل تصور به مقصد می‌رسانند؛ این نامه‌ها توسط پيك‌های تندرو به روستاهائی که هشت تا ده مایل از یکدیگر فاصله دارند ارسال می‌گردد. پيك‌ها در تمام مدت شب و روز به سرعت راه را طی می‌کنند و با رسیدن به این روستاها نامه را به پيك دیگری می‌دهند و پيك جدید نامه را به روستای بعدی می‌رساند و آنرا به پيك دیگر می‌دهد. بدین سان پيك‌ها در هر شبانه روز فاصله شصت تا صد مایل را طی می‌کنند و نامه‌ها را به سرعت به مقصد می‌رسانند. به علاوه در بسیاری از چاپارخانه‌ها کبوتران قاصد می‌توانند بعضی از نامه‌هائی را که باید با سرعت بیش‌تری به مقصد ارسال شوند به مقصد برسانند.

ارتقاء مقام و تنزل مقام فرانسیسكو پلسارت

عرف پادشاه بر این است.... که به هر يك از سربازان مجال می‌دهد تا با فرمانبری و ابراز لیاقت به مقامات بالاتر دست یابند. از سوی دیگر يك اشتباه ناچیز یا خطای كوچك می‌تواند موجب تنزل مقام گردد و در نتیجه همه چیز در این قلمرو نامطمئن است. ثروت، مقام، عشق، دوستی، اعتماد و هر چیزی در این قلمرو به موئی بسته است.

امپراتوری سرتوماس‌رو

قلمرو فرمانروائی او از قلمرو امپراتوری ایران بزرگ‌تر و اگر از امپراتوری ترکیه بزرگ‌تر نباشد در حد آن است. میانگین پول، مالیات، پیکشی‌ها و میراث صاحب مقاماتی که به پادشاه می‌رسد ثروت او را از فرمانروایان دو امپراتوری مذکور بیش‌تر کرده است... قلمرو فرمانروائی او در حدود ۲۰۰۰ مایل مربع است و همه حکام كوچك خراجگزار او هستند.

ثروت امپراتوری کشیش تری

... مزید بر این میزان ثروت هند بیش از ثروت اروپا و کمیت آن ناگفتنی است؛ آنچه می‌توان گفت این است که ثروت هند چون رودهائی از نقره است که به دریا می‌ریزد و بر طبق قانون [در قلمرو

این امپراتوری [هرملتی باید با به فروش رسانیدن کالاهائی که برای مالیات می پردازد خراج خود را به نقره پردازد و پرداخت آنرا تعهد کند.

سند ۲۱

اکبر ابوالفضل علامی

گاهی عمیقاً به امور کشوری می پردازد یا رعایای خود را بار می دهد و لحظه ئی بعد به چیدن پشم شتران، شکستن سنگ، شکستن هیزم یا آهنگری می پردازد و همه این کارها را چنان با دقت و علاقه انجام می دهد که گوئی به شغل اصلی خود اشتغال دارد.

سند ۲۲

کتابخانه اکبر ابوالفضل علامی

کتابخانه سلطنتی به چندین بخش تقسیم می شود: برخی از کتاب ها را دور از دسترس حرم سرا نگهداری می کند. هر بخش کتابخانه به بخش های کوچک تری تقسیم می شود... کتاب های نثر، شعر، هندی، فارسی، یونانی، کشمیری و عربی هر کدام در بخش های خاصی از کتابخانه نگهداری می شوند... چند نفر مأمور خواندن این کتاب ها برای امپراتورند... و کم تر کتابی از کتاب های مشهور برای او خوانده نشده است.

سند ۲۳

اکبر و پیروان فرقه یسوعی از نامه سرتوماس رو به اسقف اعظم کانترבורی

اکبرشاه... پادشاهی عادل و نیک سرشت است... نسبت به اعتقادات دیگران کنجکاو و دارای هنرهای بسیار است... سه نفر از پیروان فرقه یسوعی را که رئیس آنان جرونیم خاویر است از گوا به پیشگاه خود احضار کرد... بعد از فرا رسیدن آنان نظرات و بحث های آنان را با بردباری کامل گوش داد و از خاویر خواست که رساله ئی در دفاع از نظرات خود علیه مسلمانان هندی و بت پرستان بنویسد و بعد از نوشته شدن این رساله آن را برای او خواندند و اجازه داد که درباره آن مناظره کنند....

دین اکبر از گزارش مسیونر فرقه یسوعی

... و هنوز کسی به یقین نمی داند که او پیرو چه آئینی است؛ چرا که بی شک مسلمان نیست و هندوان در دربار او بیش از مسلمانان مورد توجه قرار می گیرند، او را نمی توان... چنانکه بسیاری می گویند... ملحد نامید... هدف او آن است که دین جدیدی بیاورد و خود رهبر این باشد، و می گویند که دین او [دین الله] پیروان بسیار دارد، اما بسیاری از این پیروان یا برای چاپلوسی و یا برای رسیدن به ثروت از دین او پیروی می کنند. بسیاری از زنان جوان او را چون يك خدا یا پیامبر بزرگ نیایش می کنند... و به درگاه او نذر می کنند تا کودکان آنان را شفا دهد یا بچه دار شوند؛ و اگر حاجت آنان برآورده شود چون رفتاری که با قدیسین انجام می دهند، فدیهای بسیاری به پیشگاه او تقدیم می کنند و اگرچه این فدیها را ارزش چندانی نیست اما او همه آنها را می پذیرد و ارج می گزارد.

بردباری ابوالفضل علامی

وظیفه ما این است... که همگان را به پیروی از يك دین واداریم، با پذیرفتن يك دین از جانب همگان وحدت میسر می شود و می توان آنچه را که در هر يك از ادیان دیگر نیکو و بهتر است نگاه داشت. بدین سان با تقرب به خدا مردم به آرامش دست می یابند و امپراتوری به امنیت می رسد.

اردوی اکبر ۱ ویلیام هاو کینز از بازرگانان مشهور کمپانی هند شرقی

هنگامی که پادشاه به قصد تفرج یا شکار به سواری می رود وسعت مکانی که در آن چادر می زنند گاهی به اندازه شهر لندن یا از آن بزرگ تر است، و می توان گفت که شمار مردمان گونه گونی که در این اردوها شرکت می کنند گاهی به دو بیست هزار نفر می رسد و به اندازه جمعیت يك شهر است.

اردوی اکبر ۲ از گزارش يك مسیونر فرقه یسوعی

بزرگی اردوی اکبر در حدی است که ۸۰۰ فیل و ۷۰۰۰ شتر چادرها و گله ها را حمل می کنند و شگفت انگیز نیست که وزیر او همیشه ۷۰۰ شتر و فیل اضافی را با آنان همراه می سازد.

بارعام روزانه اکبر گزارشی از يك ميسونر فرقه يسوعی

... اکبر هر روز دوبار در میان مردم نمایان می شود و رعایای او می توانند با او دیدار و درباره مسائل مهم گفت و گو نمایند. دو تالار بزرگ کاخ که در هر يك سریر گرانها و با شکوهی نهاده شده به بارعام اختصاص دارد. در تالار نخست همه رعایا اجازه حضور دارند و می توانند با او مذاکره نمایند و تالار دوم به دیدار با وزیران، اشراف، فرماندهان، والیان و سفیران کشورهای دیگر که درباره مسائل مهم با او گفت و گو می کنند اختصاص دارد.

تولد امپراتور سرتوماس رو

اول سپتامبر روز جشن تولد و مراسم توزین پادشاه بود و من نیز در این مراسم شرکت کردم؛ مراسم در باغ بزرگ و زیبایی که استخری پر آب در آن قرار داشت و گل ها و درختان آن رادر میان گرفته بود انجام شد. در وسط يك عمارت گنبددار ترازویی را برای توزین آماده می کردند... کفه های ترازو و زنجیرهای آن که با طناب ابریشمی محکم شده بود از طلای ناب و حاشیه کفه ها با یاقوت و فیروزه تزئین شده بود. تا فرا رسیدن پادشاه بزرگان و حاضران در جشن همه پیرامون مجلس بر قالی ها نشستند، و سرانجام شاه در لباسی که سطح آن از یاقوت، الماس و مروارید و دیگر سنگ های گرانها پوشیده شده بود نمایان شد. چه شکوه و جلالی! چشمانم خیره شده بود! سر، سینه، بازوان و میج های شاه در پوششی از یاقوت هایی که بزرگ تر از فندق بود، مروارید رخشان و زنجیره ها و رشته های الماس پنهان شده و در هر انگشت دست او دو یا سه انگشتی گرانها قرار داشت. ناگاه شاه را دیدم که بدان سان که زنان به هنگام نشستن می نشینند در کفه ترازو نشست و در کفه دیگر چندین کیسه را قرار دادند تا توازن برقرار شود و این توزین شش بار انجام شد؛ گفتند که محتویات کیسه ها نقره خالص بود.

مجموعه تاریخ برای نوجوانان

منتشر شده:

منتشر می شود:

- | | |
|-------------------------------|-------------------------|
| ۱ داروین | ۲۸ جنگ سرد |
| ۲ مائوتسه - تونگ | ۲۹ بیسمارک |
| ۳ انقلاب چین | ۳۰ ناپلئون |
| ۴ لئوناردو داوینچی | ۳۱ امپریالیسم |
| ۵ انقلاب فرانسه | ۳۲ اقتصاد جهانی |
| ۶ بولیوار | ۳۳ امریکای باستان |
| ۷ گاندی | ۳۴ مادام کوری و اینشتین |
| ۸ تجارت برده | ۳۵ انقلاب مکزیک |
| ۹ ابن سینا | ۳۶ انقلاب روسیه |
| ۱۰ انقلاب علمی | ۳۷ انسان و غذا |
| ۱۱ نیه رره و نکرومه | ۳۸ انسان و قانون |
| ۱۲ انقلاب در ارتباطات | ۳۹ انسان و زبان |
| ۱۳ آدام اسمیت، مالتوس و مارکس | ۴۰ جمعیت |
| ۱۴ انسان و دین | ۴۱ مدرنیزه کردن ژاپن |
| ۱۵ ناسیونالیسم | ۴۲ شهرها |
| ۱۶ انقلاب آمریکا | ۴۳ استالین |
| ۱۷ روشنگری | |
| ۱۸ انقلاب کشاورزی | |
| ۱۹ انقلاب صنعتی | |
| ۲۰ بمب اتم | |
| ۲۱ محمد(ص) و امپراتوری عرب | |
| ۲۲ چنگیزخان و امپراتوری مغول | |
| ۲۳ رایش هیتلر | |
| ۲۴ رشد دولت | |
| ۲۵ کریستف کلمب | |
| ۲۶ دو جنگ جهانی | |
| ۲۷ اکبرشاه و امپراتوری مغول | |

زمنیات ماریا

بها ۳۰ رنال

